

تاملی در «روایت سفیر از وقایع نارداران»: آیا باز رسانه ها مقصر هستند/ احسان رحیمی کارشناس قفقاز

حداقل انتظار آن است که دستگاه دیپلماسی کشور و مخصوصاً سفیر ایران در باکو در راستای دفاع از حقوق شیعیان دومین کشور شیعی گام‌های عملی بردارد.



به گزارش آران نیوز به نقل از آناگول، 16 روز پس از حوادث خونین و تالم انگیز نارداران جمهوری آذربایجان که به شهادت و مجروح شدن چندین شیعه آذری و حبس ده ها تن از فعالان شیعی آذربایجان در اقصی نقاط این کشور و نیز تصویب قوانین محدود کننده آئین ها و تبلیغات اسلامی منجر گردید و پس از موضع گیری های اعتقادی جمعی از ائمه جمعه ، علما، نمایندگان مجلس شورای اسلامی ،نخبگان فکری و رسانه های مختلف در قبال این حادثه و به دنبال تجمعات اعتراض آمیز مردمی در تبریز و سایر شهرهای آذری نشین ایران ؛ آقای پاک آئین سفیر محترم جمهوری اسلامی ایران در باکو لازم دیده اند که مواردی را پیرامون این حادثه و مهمتر از آن موضع گیری های صورت گرفته، مطرح نمایند. مطالب سفیر محترم که تحت عنوان « وقایع نارداران از زبان سفیر » در تاریخ ۲۱ آذر ۱۳۹۴ در صفحه اجتماعی ایشان و نیز سایت اینترنتی « خبر آنلاین » و تعداد دیگری از سایتهای بازتاب داشت حاوی نکات ناقص، ابهام آمیز و بعضاً نادرست مانند متهم نمودن برخی رسانه ها به ارائه اطلاعات غیر واقعی و تحریک آمیز است که اهمیت بحث و لزوم تبیین دقیق موضوع ایجاد نمود موارد ۱۲ گانه ذیل مورد اشاره قرار گیرد:

۱- سفیر محترم تاریخ حمله نیروهای پلیس و ماموران دادستانی جمهوری آذربایجان به نارداران را ۲۸ آذر و قصد آنان را دستگیری حاج طالع باقر زاده روحانی مخالف دولت این کشور عنوان نموده اند که بدیهی است در بیان زمان حادثه اشتباه لفظی صورت گرفته و تاریخ دقیق آن روز پنج شنبه ۵ آذر ماه ۹۴ مقرر نماز ظهر می باشد و آن گونه که از شواهد امر پیداست هدف؛ دستگیری یک یا حتی چند نفر نبوده است چرا که این فرد قبلاً بارها به اداره پلیس و وزارت امنیت احضار شده بود و در صورت نیاز به دستگیری ؛ می توانستند وی را در همان احضارها و یا بعداً به شکل مسالمت آمیز بازداشت کنند . هدف از حمله به نارداران ؛ اجرای سناریوی از پیش طراحی شده ای بود که برخی موارد آن در لابلای این سطور خواهد آمد.

۲- جناب سفیر در نخستین سطرهای روایت خود از حمله نیروهای پلیس و دادستانی اسم برده اند ، لیکن برای تنویر افکار عمومی یادآوری نکرده اند که این نیروها نه در لباس پلیس و نه در قامت مامور دادستانی بلکه در هیئت ماموران شهرداری به محل حادثه عزیمت! و حمله نموده اند.

۳- آقای پاک آئین در روایتشان ؛ خواسته یا ناخواسته تلاش کرده اند پلیس و نیروهای امنیتی جمهوری آذربایجان را از اتهام حمله به حسینیه میرا نموده و اقدام آنان را حمله به یک خانه معرفی نمایند. البته باز ایشان یاد آوری نکرده اند که در این خانه مجلس عزای امام حسین (ع) با حضور جمع قابل توجهی از مومنین آذری و با سخنرانی حاج طالع باقرزاده در حال برگزاری بود و حمله به آنجا دقیقاً در زمان اقامه نماز ظهر صورت گرفته است. بهتر است در همین جا به جناب سفیر یاد آوری شود که در عرف هیئت های حسینی چه در ایران و چه در جمهوری آذربایجان معمولاً به خانه ای که که در ایام محرم و صفر در آن عزای حسینی برگزار شود ؛ حسینیه اطلاق می گردد و البته این نه در معنای شرعی خود بلکه در مفهوم عرفی آن امری بدیهی است. لذا معلوم می گردد رسانه ها از این باب که محل مورد حمله نیروهای آذری را حسینیه عنوان نموده اند ، مرتکب اقدام تحریک آمیز- که جناب سفیر از آن خرده گرفته اند نگریده و صرفاً وظیفه ذاتی خود را انجام داده اند.

۴- جناب سفیر از درگیری مسلحانه سخن به میان آورده اند؛ ولی طرفین این درگیری را مشخص ننموده اند . درگیری که معمولاً باید دو طرف داشته باشد در کار نبوده ؛ آنچه به اذعان اهالی و شاهدان عینی که نمونه هایی از آنها در کلیپ های رسانه ای شده نیز، موجود است- اتفاق افتاده حمله پلیس به دینداران و مردم عادی بی دفاع بوده و کشته شدن دو پلیس نیز با ابهامات فراوانی روبه روست ؛ چرا مقامات آذری هیچ تصویر یا فیلمی از این درگیری و لحظه مجروح و کشته شدن این دو پلیس بخت برگشته منتشر نکردند ؟ چرا بر خلاف عرف معمول جنایی ، نوع سلاح و کالیبر و سایر مشخصات سلاح مورد استفاده جهت کشتن پلیس ها مشخص نگردید؟ چرا قبل از هر گونه اقدام پزشکی قانونی یا قبل از ارائه گزارش آن به افکار عمومی دو پلیس کشته شده سریعاً دفن شدند ولی اجساد شهدای حادثه برای از بین بردن آثار جنایت؛ روزها بعد دفن شدند؟ چرا قاتلین دو پلیس معرفی نمی شوند ؟ و...

۵- جناب سفیر مرقوم فرموده اند : « در این حادثه ... مدتی منطقه نارداران محاصره شد و آب و گاز و برق آن قطع گردید ». ادبیات مورد استفاده ایشان چنان است که گویا نارداران اکنون از حالت محاصره خارج شده و مشکل گاز و برق آن دیگر حل شده است .جناب سفیر نیک می دانند تا این لحظه (شب ۲۱ آذر) همچنان نیروهای قشون داخلی آذربایجان ورود و خروج نارداران را تحت کنترل دارند، هنوز نیروهای امنیتی به تفتیش خانه های مردم و کشف سلاح از هر منزلی که لازم است برای سند سازی سلاحی کشف شود! ادامه می دهند؛ دستگیری دینداران و به ویژه روحانیون این منطقه هنوز ادامه دارد که در آخرین موارد روحانی امامزاده و نیز روحانیون برخی مساجد نارداران بازداشت و زندانی شده اند. تا دیروز برق تمامی خانه های نارداران قطع بود و امروز (۲۱ آذر) تنها برق بخش کوچکی از منطقه وصل گردیده و اکثر خانه های نارداران هنوز از نعمت برق محرومند و مردم دیندار این منطقه نه دیروز و امروز بلکه مدت‌هاست که از نعمت گاز محروم شده اند و اساساً یکی از انتقادات اساسی حاج طالع باقر زاده در یکی از آخرین سخنرانی های خود که در تاریخ ۲۲ آبان ۱۹۴۴ ایراد نمود این مطلب بود که چگونه است دولت آذربایجان به دادن گاز به یک کلیسای ارمنی در گرجستان افتخار می کند ولی همان گاز را از مردم مستضعف نارداران مضایقه می نماید .

۶- جناب سفیر نوشته اند : « بعد از این حادثه اتفاق ناپسندی رخ داد ، نیروهای پلیس ... اقدام به جمع آوری پرچم های عزاداری که به بر سر درب مسجد بزرگ نارداران نصب شده بود ، کرد ». ایشان در این خصوص نیز ؛ خواسته یا ناخواسته ابعاد توهین نیروهای پلیس جمهوری آذربایجان به دستگاه با عظمت امام حسین و مقدسات شیعی را بسیار بسیار سانسور و تعدیل کرده و اساساً بازگویی این اقدام نیروهای آذری و زمان آن به خطا رفته اند. قشون داخلی و نیروهای امنیتی جمهوری آذربایجان عملیات! جمع آوری توهین آمیز نمادهای شیعی در آستانه اربعین حسینی را پس از پایان تجمع اعتراض آمیز مردم نارداران که بلافاصله پس از دستگیری طالع باقر زاده و عدم تحویل جنازه شهداء شکل گرفته بود و چند روز بعد با تهدید و البته وعده دروغین پلیس پایان یافت-؛ آغاز نمودند. اقدام نیروهای آذری در راستای توهین به مقدسات مذهبی و دستگاه عزاداری امام حسین (ع) که در رسانه های دولتی جمهوری آذربایجان با عنوان عملیات ویژه ! از آن یاد می شد تنها شامل جمع آوری پرچمهای عزاداری از سر در مسجد بزرگ نارداران نبود ؛ بلکه دامنه این عملیات ویژه! جمع آوری پرچمهای و نمادهای عزاداری از کلیه معابر نارداران ، پاک کردن شعارها و احادیث دینی از درو دیوار این منطقه بود و تلویزیون دولتی باکو و سایر رسانه های این کشور در اقدامی که از اصل جمع آوری پرچمها نیز موهن تر بود به دفعات ماموران دولتی سوار بر جرثقیل ها را که پرچمهای حسینی را از نقاط مرتفع کنده و به زمین پرتاب می کردند و بلافاصله پرچم جمهوری آذربایجان را به جای آن مستقر می نمودند ، نشان می دادند و نیز فیلم رنگ پاشی بر روی دیوارهای منقش به اسم « الله » و احادیث ائمه معصومین را با عنوان پاک سازی نارداران به کرات پخش می کردند .

بر اساس برخی اظهارات شاهدان عینی در چند نقطه نارداران ؛ ماموران دولتی که در سرمای شدید مشغول عملیات ویژه جمع آوری پرچمها بودند از سوزاندن پرچم امام حسین(ع) نیز دریغ نکرده اند ؛ لذا « آتش زدن پرچمهای عزاداری » نیز آن گونه که جناب سفیر ادعا نموده اند ، مساله ای نبوده که صرفاً رسانه ها برای تحریک نخبگان فکری ساخته و

پرداخته باشند. اساساً یکی از اهداف اساسی دولت جمهوری آذربایجان از اجرای سناریوی اخیر؛ زمینه سازی برای ایجاد ممنوعیت قانونی نصب پرچمهای حسینی در معابر عمومی بود که با مصوبه اخیر پارلمان به این ممنوعیت جامه قانونی پوشاند تا بعد از این؛ خیابانها، معابر عمومی و حتی محوطه مقابل مساجد شاهد به اهتزاز در آمدن هیچ پرچم حسینی و نماد مذهبی نباشد و تابلوهای تبلیغاتی باکو که غالباً تصاویر نیمه برهنه زنان را به نمایش گذاشته اند، یک تاز میدان باشند.

۷- جناب سفیر نوشته اند: « عوامل وهابیت نیز با سوء استفاده از حوادث نارداران، با تبلیغات خود تشیع را به تکفیر و افراط گرایی متهم نموده و...» گرچه در خبثت و روحیه ضدشيعی و ضد ایرانی عوامل خود فروخته وهابی شکی نیست، لیکن آقای سفیر بایستی توجه داشته باشند، جریان انحرافی متهم نمودن تشیع به تکفیر قبل از سوء استفاده وهابی ها و اساساً قبل از حادثه نارداران، با پخش کلیپی موهن از شبکه خزر جمهوری آذربایجان شبکه نزدیک به دولت ترکیه که البته بدون اجازه دولت باکو حتی پیام بازرگانی نیز پخش نمی کند آغاز گردید که در آن تصویر روحانی آذری به اتهام دست بوسی یک مرجع تقلید (آیت الله نوری همدانی) در کنار تصاویر بغدادی و ملاعمر نشان داده شده و آن روحانی به خیانت به وطن متهم می گردید. چه بسا در آن زمان که اتفاقاً با تجمعات زنجیره ای قوم گرایان آذری در مقابل سفارت جمهوری اسلامی ایران در باکو مقارن شده بود، جناب سفیر وارد عمل می شدند و با دیپلماسی انقلابی به هتک حرمت مرجع تقلید که در حد یک مامور دولتی ایران معرفی شده بود و نیز در مقابل توهین به روحانیت شیعه که تروریست و خائن معرفی گردیده شده بود؛ اعتراض شدید می نمودند، حاکمیت جمهوری آذربایجان؛ جسارت اجرای کامل سناریوی از پیش طراحی شده اش- که اتفاقاً اقدام شبکه خزر بخشی از این سناریو بود- را در نارداران پیدا نمی کرد.

۸- آقای سفیر در روایت خویش؛ از بیانیه و رایزنیهای دیپلماتیک تاثیر گذار سفارت ج.ا.ا در باکو و اظهارات متقابل مقامات آذری که افاضه فرموده اند ایران را در حوادث نارداران مقصر نمی دانند؛ سخن گفته اند. گرچه سخن در این خصوص زیاد است لیکن به طرح چند سوال بسنده می شود: آیا پس از حادثه نارداران، چنانچه هجمه رسانه ای علیه ایران آغاز نمی گردید، سفارت حتی آن بیانیه حداقلی و کم خاصیت را صادر نمی کرد؟! جواب مشخص است، بیانیه نه در خصوص اصل حوادث نارداران بلکه در ارتباط با هجمه رسانه ای پس از آن علیه ایران صادر شده است؛ جناب سفیر آن گونه که خودتان اذعان کرده اید اگر واقعا دفاع از حقوق مسلمانان و مقدسات اسلامی را وظیفه خود می دانید؛ آیا نباید در مقابل ترور شخصیت روحانیون آذری و شهادت چندین مسلمان احساس وظیفه می کردید؟ آیا شما در راستای عمل به این وظیفه قانونی و اسلامی خود نباید به نمایندگی از ملت مسلمان ایران، صدای حمایت سفارت از مردم در محاصره نارداران را به گونه ای بلند می نمودید که آنان بشنوند تا حداقل انتظارشان از ایران و دیپلماتهای انقلاب اسلامی برآورده شود؟ آیا شما که خود اذعان نموده اید نارداران، مرکز تجمع شیعیان است تا حالا آشکارا به محاصره این کانون شیعی علاقمند به آرمانهای انقلاب اسلامی اعتراضی کرده اید؟ و یا فقط در فکر تراشیدن استدلال برای عدم دخالت ایران در حوادث نارداران بوده اید؟ این را که خود طراحان سناریوی پیش گفته به نیکی می دانند. شما چرا خودتان را به زحمت می اندازید؟!

۹- آقای سفیر در روایت خویش از حوادث نارداران به انحاء مختلف از اظهار مقامات میانی جمهوری آذربایجان در جلسات خصوصی، مبنی بر اینکه آنها قبول می نمایند ایران در حوادث اخیر نقشی نداشته است؛ ابراز خشنودی و احساس موفقیت در انجام وظیفه نموده است. این در حالی است که از روز حادثه حداقل به مدت ده روز؛ جمهوری اسلامی ایران و حتی حوزه علمیه قم؛ آماج انواع تهمت ها و افتراهای کارشناسان دولتی، برخی نمایندگان پارلمان همچون زاهد اروج اف، سیاوش نوروزاف، فاضل مصطفی اوغلو... و حتی برخی مقامات دولتی از جمله رئیس و معاون کمیته دولتی امور دینی جمهوری آذربایجان بود که گاه آشکارا و گاه به کنایه ایران را متهم می نمودند و همه این مطالب از رسانه های دولتی وشبه خصوصی! این کشور دوست و برادر! منعکس می شد. آیا صرف اظهار یک یا چند مسئول میانی جمهوری آذربایجان؛ آن هم در جلسات خصوصی مبنی بر پذیرش عدم دخالت ایران در امور داخلی آذربایجان می تواند حجم انبوه تبلیغات و عملیات روانی ضد ایرانی را خنثی نماید؟ واقعا اگر آقایان مسئولین آذری از طراحی و اجرای سناریوی نارداران، قطع ارتباط معنوی شیعیان آذری با حوزه های علمیه و مردم ایران را نشانه نرفته اند، چرا در بحبوحه تبلیغات ضد ایرانی که کارشناسان و نمایندگان و مقامات دولتی آذربایجان؛ تحصیل طلب آذری در ایران را مهمترین علت رخ داد حادثه نارداران معرفی می کردند؛ در پارلمان این کشر قانون ممنوعیت اجرای مراسمات اسلامی توسط روحانیون تحصیل کرده در خارج شما بخوانید ایران را وضع کردند؟ و چرا...؟

۱۰- در موارد پیش گفته، ناصحیح بودن ادعای آقای سفیر در خصوص آنچه ایشان اطلاعات غیرواقعی و تحریک آمیز خوانده بود، مشخص گردید؛ تنها یک مورد باقی مانده و آن اینکه ایشان از این که برخی از نخبگان ایرانی زمان وقوع حادثه را روز اربعین اعلام کرده اند در حالی که حمله به نارداران شش روز قبل از آن رخ داده است، ابراز ناخرسندی نموده اند؛ برای رفع این نگرانی ایشان ذکر چند نکته لازم می نماید: اولاً؛ غالباً آنچه توسط نخبگان منتقد ایرانی در باب زمان بروز حادثه مطرح شده، ایام اربعین و نه صرفاً روز اربعین بوده و آنان اصل موضوع شامل شهادت شیعیان و محاصره نارداران و توهین به دستگاه امام حسین (ع) را محکوم نموده اند و در این بین به صورت طبیعی ممکن است برخی نکات حاشیه ای در روایتها مختلف ایجاد شود. ثانیاً همانگونه که آقای سفیر در « وقایع نارداران از زبان سفیر» حداقل در دو مورد در بیان تاریخ اتفاقات دچار اشتباه شده اند که البته ممکن است متوجه شده و اصلاح فرمایند- می توانند اشتباه جزئی احتمالی دیگران را نیز به دیده اغماض قبول نمایند؛ ثالثاً، مهمترین نکته در این خصوص اینکه؛ آری در روز اربعین نیز منطقه نارداران مثل چند روز قبل و چند روز بعد از آن مورد حمله نیروهای پلیس و قشون داخلی آذربایجان بود. ماشینهای زرهی قشون داخلی در خیابانهای نارداران مانور اقتدار می دادند، گو اینکه قره باغ اشغالی را آزاد کرده اند. از همین رو بود که اربعین و ایام آخر صفر امسال؛ نارداران بر خلاف سالهای گذشته شاهد حضور انبوه عاشقان حسینی از سرتاسر باکو و روستاهای اطراف نبود. حتی اهالی خود نارداران نیز از ترس نیروهای قشون داخلی و زره پوشها در خانه بودند و محدود افرادی هم که خواهان برگزاری مراسم در حسینیه زیارتگاه بی بی رحیمه بودند با تهدید نیروهای دولتی مواجه شده و محل را ترک کردند.

۱۱- دغدغه جناب سفیر در خصوص صیانت از روابط دیپلماتیک قابل درک و احترام است، لیکن حتماً ایشان نیز اذعان دارند که بر اساس اسناد بالادستی در خصوص روابط دو کشور ایران و آذربایجان، روابط احترام آمیز و بدون تنش فیما بین بایستی متقابل بوده و در آن خطوط قرمز نظام و تشیع رعایت شود، این چه نوع رابطه متقابلی است که یک کشور کوچک بر اساس نیازهای مقطعی و ناشی از تحولات بین المللی و وضعیت داخلی خود ادعای تحکیم روابط با کشوری بزرگ و تاثیر گذار را داشته باشد ولی کوچکترین توجهی به درخواست دوستانه مقامات ارشد آن کشور بزرگ نداشته و دقیقاً بر خلاف آن خواسته ها اقدامات متعددی انجام دهد؟ این چه نوع رابطه متقابلی است که کشوری در صدد تامین نیاز اساسی خود به داشتن مسیرهای جدید تجاری باشد و ما آن را به عنوان امتیازی بزرگ برای خود قلمداد و تبلیغ نمائیم؟! این چه نوع رابطه ای است که آمارهای رسمی تجاری آن را حداقل در بعد تجاری اش تأیید نمی کنند؟ این چه نوع رابطه مستحکمی است که سفارت کشورمان در باکو به هر بهانه به محل تجمع قوم گرایان سازماندهی شده تبدیل می شوند؟ این چه نوع رابطه متقابلی است که پارلمان کشوری کوچک برای مسدود نمودن مجاری روابط فرهنگی و مذهبی مردمش با کشور مقابل، قانون وضع می کند؟ و این چه رابطه ای است که ...

۱۲- واقعیت اینست جمهوری آذربایجان که تعمیق آموزه های اصیل اسلامی و شیعی در این کشور را در تضاد با منافع حزبی خود می دانند به شدت از رشد اسلامگرایی و نیز نمادهای اجتماعی آن از قبیل حضور انبوه و با عظمت مردم مسلمان جمهوری آذربایجان در مراسمات مذهبی مانند نمازهای فطر و قربان و تاسوعا و عاشورا نگران شده و با طراحی سناریوی چند مرحله ای اخیر تلاش نموده است به زعم خود، زمینه های افزایش اقبال مردم به آموزه های اصل اسلامی و مخصوصاً علاقه آنان به شرکت در مراسمات مذهبی را از بین ببرد که کشتار و سرکوب نارداران به عنوان کانون شیعی آذربایجان و البته دستگیری گسترده ده ها فعال اسلامی در شهرهای مختلف از جمله لنکران، گنجه، نفت چالا و... جنبه سخت افزاری و تصویب قوانین جدید محدود کننده مراسمات اسلامی و تحصیلات حوزوی در پارلمان این کشور جنبه نرم افزاری آن می باشد. به نظر می رسد سیاست

اعلامی دولت جمهوری آذربایجان در راستای تحکیم ظاهری و بدون پشتوانه روابط با ایران که طی چند سال گذشته با توصیه مستمر دستگاه دیپلماسی کشور و شخص سفیر محترم به سکوت رسانه ای نخبگان و محافل فرهنگی و مذهبی جمهوری اسلامی در قبال اقدامات ریز و درشت ضدایرانی و ضداسلامی جمهوری آذربایجان منجر گردیده و جمهوری آذربایجان را از حالت انفعال سالهای گذشته خارج نموده؛ یکی از مقدمات طراحی و اجرای سناریوی فوق توسط دولت جمهوری آذربایجان بوده است. لذا حداقل انتظار در این بازه زمانی آن است که دستگاه دیپلماسی کشور و مخصوصاً سفیر محترم جمهوری اسلامی ایران در باکو که در دیانت و روحیات مذهبی ایشان هیچ شکی وجود ندارد، با نگاهی به گذشته ضمن حفظ روابط دیپلماتیک تا حد مقدور؛ در راستای دفاع از حقوق شیعیان دومین کشور شیعی دنیا گام‌های عملی بر داشته و حداقل اینکه اصحاب رسانه محدود فعال در این حوزه را به دادن اخبار غیر واقعی و تحریک آمیز و نخبگان فکری جامعه را به اتخاذ مواضع نادقیق متهم نموده و آنان را در انجام وظائف اعتقادی و دینی خود یاری رسانند. ذکر این نکته ضروری است که دلایل، ابعاد، مراحل، اهداف و... سناریوی طراحی و اجرا شده دولت جمهوری آذربایجان بسیار فراتر از مواردی بود که در این نوشته به تناسب موضوعات مطروحه بیان شد و تفصیل آن فرصت دیگری را می‌طلبد. لیکن آنچه مهم است هوشمندی همگان در قبال این سناریوی دامنه دار و خطرناک می‌باشد. ضمناً امید است نگارنده این مطلب که در راستای عمل به تکلیف دینی خود برای اولین بار در این حوزه وارد شده متهم به اقدام جناحی و سیاسی نگردد؛ چرا که موضوع فوق مساله ای فرا جناحی بوده و بیشتر تکلیفی دینی را فرا روی همه قرار داده است.